

تحلیل کارکردی موعودباوری و نقش آن در تولید همگرایی در ادیان ابراهیمی

مهراب صادق نیا^۱ - محمدمهدی لطفی^۲

چکیده

در جهان معاصر، ادیان با چالش‌های نسبتاً مشابهی روبه‌رو هستند که برای گذر از این چالش‌ها، باید راه‌های اندیشید. همگرایی ادیان، با وجود همه اختلافات فکری و عملی، می‌تواند راه عبور از این چالش‌ها را هموار سازد. از این رو، تحقیق و بررسی در زمینه عوامل و راهکارهای رسیدن به همگرایی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. در این پژوهش، از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. در این روش با مراجعه به متون مقدس ادیان ابراهیمی و توصیف و تحلیل آموزه موعودباوری و همچنین کشف نقاط اشتراک، از آن به عنوان محملی برای همگرایی استفاده شده است. در این مقاله، مدلی برای همگرایی ادیان ابراهیمی بر مبنای باور به موعود ارائه شده است. بر اساس این مدل، آموزه موعودباوری در ادیان ابراهیمی دو مؤلفه مشابه هم، وضعیت نابسامان موجود و آینده مطلوب را نشان می‌دهد. این مؤلفه‌ها موعودباوری در ادیان ابراهیمی را از «انگاره» بودن خارج کرده و از باور صرف به «گفتمان» و زیرساختی برای فعالیت‌های اجتماعی پیروان این ادیان تبدیل می‌کند. در این گفتمان، موعودباوری به کشف بینش‌ها، گرایش‌ها و کنش‌های همانند در پیروان این ادیان می‌انجامد و نتیجه این همانندی، همگرایی خواهد بود.

واژگان کلیدی: موعودباوری، آینده مطلوب، وضعیت نابسامان موجود، گفتمان موعودباوری، همگرایی ادیان ابراهیمی.

sadeghniam@yahoo.com

۱. استادیار گروه ادیان ابراهیمی دانشگاه ادیان و مذاهب قم

mlotfi313@gmail.com

۲. دکترای الهیات مسیحی دانشگاه ادیان و مذاهب قم (نویسنده مسئول)

بررسی پیشینه تاریخی ادیان ابراهیمی، گواه این مطلب است که متأسفانه در گذشته، عوامل مختلفی چون تعصبات دینی، بی‌اطلاعی از آموزه‌های سایر ادیان و سوء تفاهم‌ها اختلافات، منازعات و درگیری‌های بسیاری در میان پیروان این ادیان را موجب شده و این امر تضعیف جامعه دینی و در مواردی نیز تسلط بی‌دینان بر دین‌داران را در پی داشته است. در شرایط کنونی نیز ادیان از نظر چالش‌های پیش رو، وضعیت مشابهی دارند. رویارویی با مدرنیته و الزامات آن و نیز مسایل اجتماعی این روزگار که تا اندازه فراوانی به رشد بی‌دینی و سکولاریسم انجامیده است، ادیان را (با همه اختلافاتی که دارند) در شرایط همانندی قرار داده و نیازهای مشترکی در آن‌ها به وجود آورده است. همه ادیان باید در این شرایط، از معناداری خود دفاع کرده و بر کارکرد خود برای اداره امور انسان مدرن تأکید ورزند تا بتوانند به حیات اجتماعی خود ادامه دهند. این وضعیت پیچیده، همگرایی فرهنگی^۱ ادیان را به عنوان نیازی انکار ناپذیر ایجاب می‌کند. برای تحقق همگرایی در ادیان باید بر مفاهیمی تأکید کرد که بیش‌ترین شباهت را میان آن‌ها نشان می‌دهد. سناریویی که ادیان برای آینده جهان و انسان نوشته‌اند، چنان شباهتی به هم دارد که ضمن اشاره به خاستگاه مشترک، می‌تواند بستر مناسبی برای همگرایی و پیروزی بر شرایط دشوار مشابه باشد. «مانه‌هایم» معتقد است:

نقش و کارکرد یوتوپیا سامان دادن به عمل جمعی طبقات اجتماعی برای تغییر واقعیت‌های تاریخی است و بخش مهمی از جامعه‌شناسی معرفت باید برای تبیین همبستگی نزدیک میان شکل‌های مختلف یوتوپیا و قشرهای اجتماعی‌ای مصروف گردد که نظام‌های موجود را دست‌خوش تحول می‌کنند (مانه‌هایم، ۱۳۸۰: ص ۲۱۳).

این مقاله به واکاوی نقش اندیشه موعود در همگرایی ادیان ابراهیمی می‌پردازد. از آن‌جا که بحث نجات و منجی موعود در متون مقدس این ادیان ریشه دارد، این پژوهش به روش تحلیل محتوا صورت گرفته است. در این روش ضمن مراجعه به متون مقدس و استخراج نقاط مشترک آن‌ها در موضوع منجی موعود، به ارائه راهکارهایی برای ایجاد همگرایی این ادیان بر مبنای اشتراکات آن‌ها می‌پردازیم.

نظریه هم‌گرایی بر مبنای موعودباوری

موعودگرایی در شرایط نابسامان اجتماعی معاصر می‌تواند تئوری جدیدی ارائه کند که ضمن نامشروع و نامعقول دانستن وضع موجود، به آموزه‌ای انقلاب‌آفرین برای تغییر این وضعیت تبدیل شود. باور به موعود از یک سو به معنای اعتراض به «وضع موجود» و از سوی دیگر، معرفی «وضع مطلوب» است. بنابراین، موعودباوری در میان پیروان ادیان ابراهیمی دو مؤلفه مشترک ایجاد می‌کند:

۱. برای جوامع انسانی وضعیت مطلوبی وجود دارد که این وضعیت، به گونه بسیار مشابهی در ادیان ابراهیمی به تصویر کشیده شده است و پیروان این ادیان باید به منظور ایجاد این وضعیت گام بردارند.

۲. وضعیت موجود جامعه انسانی با آن وضعیت آرمانی بسیار فاصله دارد و پیروان ادیان ابراهیمی باید برای تغییر این وضعیت نابسامان تلاش کنند.

از این رو، موعودباوری با ترسیم زمینه‌ها (نامطلوبی وضعیت موجود) و اهداف مشترک (رسیدن به آینده مطلوب) می‌تواند بن‌مایه گفتمان^۱ پیروان ادیان ابراهیمی باشد. در حال حاضر، موعودباوری از صرف «انگاره» بودن خارج و به «گفتمان» تبدیل شده است و به همین دلیل امکان یاریگری و هم‌گرایی را فراهم می‌کند.^۲

گفتمان به معنای ارائه اندیشه‌ای انسجام یافته و قابل دفاع است که بر فرهنگ و اعتقادات مبتنی بوده و محور جهت‌گیری‌ها و فعالیت‌ها قرار می‌گیرد و بر سرنوشت جامعه تأثیر می‌گذارد.

به نظر «گی» گفتمان متضمن چیزی بیش از زبان است. گفتمان‌ها همواره متضمن هماهنگ کردن زبان با شیوه عمل، تعامل، ارزش‌گذاری، باور داشتن، احساس،

۱. Discourses

۲. توجه به این نکته ضروری است که مراد ما از گفتمان، تحلیل گفتمان به مثابه یک روش مطالعاتی نیست، بلکه مراد، سخن گفتن و مباحثه کردن می‌باشد؛ یعنی چیزی شبیه آن‌چه در ادبیات میشل فوکو رایج است. قابل ذکر است که نظریه فوکو در صورت تعدیل در ویژگی‌هایی مثل نسبی‌گرایی و ضد ذات‌گرایی قابل استفاده است (برای آگاهی از نظریه فوکو و نقد آن نک: بهروزی لک، غلام رضا، کاربرد تحلیل‌های گفتمانی در مطالعات سیاسی اسلامی و روش‌شناسی در مطالعات سیاسی اسلام، علی‌اکبر علی‌خانی و همکاران، بخش ۴، مقاله اول).



بدن‌ها، لباس‌ها، نمادهای غیرزبانی، اشیاء، ابزارها، تکنولوژی‌ها، زمان و مکان است (فاضلی، ۱۳۸۳: ص ۸۲، به نقل از: James Paul Gee, An Introduction to discourse analysis: Theory and method. Routledge. 1999: P.25).

آرمان‌ها و اهداف کلان، از راه تبدیل شدن به «گفتمان»، قابلیت تحقق می‌یابد. گفتمان‌سازی آرمان‌ها و ارزش‌ها، به معنای تبدیل شدن آن‌ها به روح حاکم بر جامعه و تبلور آن‌ها در شیوه زندگی، زیرساخت‌های اجتماعی و حیات اجتماعی است. گفتمان دینی باعث رشد اندیشه دینی در جامعه می‌شود که در صورت همراهی با تعهد و احساس مسئولیت، به کنش مشترک و همگرایی منجر می‌گردد. طبق مدل گفتمانی، اعتقاد به موعود، آرمان‌خواهی و اعتراض به وضعیت نابسامان موجود را به «هویت پروژه‌ای برنامه‌دار» تبدیل می‌کند.^۱ در مدل گفتمانی، باور به موعود، به مثابه نوعی ادراک ذهنی فهم نمی‌شود که وظیفه را به نشستن و چشم به راه بودن برای فرا رسیدن روزگار طلایی حکومت موعود منحصر بداند؛ بلکه در مدل گفتمانی، ظهور منجی به مثابه پروسه‌ای است که همه منتظران - و بلکه همه انسان‌ها - در آن ایفای نقش می‌کنند و تأسیس حکومت موعود - با ویژگی‌های خاص خود که از آن سخن خواهیم گفت - منوط به تلاش و زمینه‌سازی جامعه منتظر می‌باشد. برای رسیدن به جامعه آرمانی موعود، باید فرایندی طی شود که نگاه ادیان ابراهیمی به آن فرایند به یکدیگر شباهت‌های زیادی دارد. توجه به آن شباهت‌ها به بازتولید بینش، گرایش و کنش مشترک در پیروان این ادیان و در نتیجه سرعت بخشیدن به روند ظهور و رسیدن به آن هدف مقدس منجر خواهد شد.

با توجه به مدل ارائه شده مذکور، ابتدا باید اشتراکات ادیان ابراهیمی در دو مؤلفه «آینده مطلوب» و «نامطلوبی وضعیت موجود» بررسی شود و سپس بر مبنای آن، کارکرد موعودباوری در همگرایی و ایجاد بینش، گرایش و کنش مشترک در پیروان این ادیان تبیین گردد. از آن‌جا که مؤلفه‌های مشترک ادیان ابراهیمی در آموزه منجی در آثار متعددی بررسی شده و به اثبات رسیده؛^۲ این موضوع به عنوان پیش فرض این مقاله در نظر گرفته شده است.

۱. طبق تعریف مانوئل کاستلز «هویت پروژه‌ای» توسط مردم ساخته می‌شود و علاوه بر مقاومت، برنامه‌ای در برابر برنامه نظام سلطه ارائه می‌کند.

۲. ر.ک: «گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان»، گروه نویسندگان؛ آخرالزمان در ادیان ابراهیمی،

موعودباوری و همگرایی

هر انسانی دارای دو خاصیت اساسی «ادراک» و «اراده» است. علم و شناخت، سازنده ادراک است که از آن به «بینش» تعبیر می‌شود و میل، رغبت و انگیزش سازنده اراده است که به آن «گرایش» اطلاق می‌گردد. بینش و گرایش، توأماً هم موجب پیدایش «کنش» یا رفتار می‌گردند. موعودباوری در ادیان ابراهیمی، با خلق مؤلفه‌های مشترک درباره آینده مطلوب و نامطلوبی وضعیت موجود، به پیدایش گفتمان در این ادیان می‌انجامد. این گفتمان، پیروان این ادیان را به همگرایی در سه حوزه بینش‌ها، گرایش‌ها و کنش‌ها دعوت می‌کند.

۱. موعودباوری و بازتولید بینش مشترک

از آن‌جا که شناخت و بینش انسان شالوده گرایش‌ها و رفتارهای وی می‌باشد؛ موعودباوری در گام نخست باید به ایجاد بینش مشترک در ادیان ابراهیمی منجر گردد تا بتواند بر همگرایی این ادیان مؤثر واقع شود.

میل به نجات که برخاسته از فطرت انسان‌ها است، همه آدمیان را به سوی باور به یک «منجی» و «نجات‌بخش» فرامی‌خواند که بررسی و تبیین صحیح این آموزه و کشف زوایای پنهان آن، بن‌مایه‌ای برای بازتولید بینشی همانند در ادیان ابراهیمی است. «جان هیگ» درباره مشترک بودن بحث نجات در ادیان می‌گوید:

در کلیه ادیان بزرگ و متکامل جهانی، به نوعی اعتقاد به رستگاری و مبحث نجات‌شناسی وجود دارد. در این ادیان عقیده به انتقال از یک حیات اساساً مصیبت‌بار به وضعیتی کاملاً امیدبخش و بهتر در کار است (هیگ، ۱۳۷۶: ص ۱۸).

در این قسمت، مصادیق بینش مشترک در پیروان ادیان ابراهیمی که بر مبنای موعودباوری بازتولید شده است، بررسی خواهد شد.

محمد حسین محمدی؛ کارکردهای موعودباوری در ادیان ابراهیمی (پایان نامه)، محسن شریعتی؛ نجات‌بخشی در ادیان، محمد تقی راشد محصل و منجی باوری در کیش زرتشتی و ادیان ابراهیمی، اسدالله آزیر.

۱-۱. خدا محوری و توحید

محور اصلی و هسته مرکزی ادیان ابراهیمی، ایمان به یگانگی و وحدانیت خداوند است. کتاب‌های مقدس این ادیان نیز تحقق جامعه توحیدی را که در آن اثری از شرک وجود نداشته باشد، از اهداف ظهور منجی و تشکیل حکومت وی برشمرده است.

مهم‌ترین تلاش انبیای بنی‌اسرائیل، بازگرداندن قوم به یکتاپرستی و توحید است. در دوران حکومت «ماشیح» تمامی ملت‌ها همدلانه «یهوه» را می‌خوانند، خدای واحد را عبادت می‌کنند و دارای دین توحیدی می‌شوند (صفینا ۳: ۹-۸). قدرت خداوند عالم را فرا می‌گیرد و تا ابد ادامه دارد.

در متون مقدس مسیحیت نیز به ملکوت، پادشاهی و سلطنت خداوند اشاره شده است که به حاکمیت خداوند بر جهان و اطاعت محض همگان از خداوند اشاره می‌کند (مکاشفه ۱۱: ۱۵). عیسی مسیح مبعوث شد تا امت‌هایی را که به او ایمان می‌آورند، نجات بخشد امت‌ها نیز خدا را به سبب رحمت او تمجید کنند (رومیان ۱۵: ۸-۱۳).

در دین اسلام، با استقرار حکومت مهدوی، توحید بر جهان حاکم خواهد شد. همه مردم بر محور توحید و تسلیم در برابر خداوند به حیات خود ادامه می‌دهند و خدای یگانه را عبادت و اطاعت می‌کنند. در قرآن کریم آمده است: «او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب سازد؛ هر چند مشرکان کراهت داشته باشند» (توبه: ۳۳ و صف: ۹). از این که در آخر آیه فرموده است: «حتی اگر مشرکان کراهت داشته باشند»؛ معلوم می‌شود که دین حق همان دین توحیدی و تسلیم در برابر خداوند یکتا است.

بنابراین، در ادیان ابراهیمی، نظر بر این است که در نهایت این عالم، انسانی الهی خواهد آمد و با کمک و عنایت خداوند، امور عالم را اصلاح خواهد کرد. منجی یهودیان باید تأیید شده از جانب خداوند باشد و منجی مسیحیان علاوه بر آن، «کلمه خدا»، «پسر خدا» و «اقنوم دوم» می‌باشد. در اسلام نیز «منجی»، «ولی خدا»، «حجت خدا»، «امام معصوم» و «جانشین پیامبر» است. جامعه موعود تجلی‌گاه نظام توحیدی و ارزش‌های الهی در جامعه است که از مهم‌ترین اهداف در دعوت انبیای الهی می‌باشد. پس، موعودباوران برای رسیدن به حاکمیت توحید در جهان باید با همگرایی و همکاری به سوی جامعه موعود حرکت کنند.

۲-۱. انکار حکومت غیر خدا

با توجه به آن چه در بحث قبل گفته شد، در جامعه موعود تمامی مظاهر شرک و طاغوت از بین خواهد رفت. هر حکومت، نظام و قانونی در این عالم که مبنای شرعی و الهی ندارد، «طاغوت» به حساب می‌آید و بر همین اساس، جهت‌گیری خاص طرح همگرایی ادیان و اقدامات صورت گرفته، باید در جهت تأمین چنین هدفی باشد. یعنی پیروان ادیان باید در صدد تقویت هرچه بیش‌تر جامعه دینی و تضعیف و نابودی گروه‌های بی‌دین و ضد دین باشند و رسیدن به چنین هدفی در سایه همگرایی و تقویت جبهه دین‌داری حاصل می‌شود.

۳-۱. معنا بخشی به زندگی

باور آخرالزمانی منجی موعود در ادیان ابراهیمی، «در گام نخست، هدفی متعالی برای خلقت عالم و زندگی بشر تعریف می‌کند که ذهنی و رؤیایی نیست، بلکه حقیقی و دست‌یافتنی است. در گام دوم، الگویی به جامعه منتظر در خصوص زندگی مادی و معنوی ارائه می‌کند که او را از تحیر و سردرگمی، انحراف و ابتدال، پوچی و سستی، ایستایی و سکون مصونیت می‌بخشد.

موعودباوری بینشی است که به دلیل پیوستگی آن به اصول ارزشی و اعتقادی، می‌تواند پاسخ بسیاری از مجهولات انسان را درباره سیر حیاتش به او بدهد. گستره این باور، گذشته، حال و آینده زندگی انسان را دربر می‌گیرد.

اندیشه نجات و منجی موعود در بیش‌تر ادیان بزرگ و تاریخی به لحاظ نظری می‌تواند با ارائه هدفی ارزش‌مند و توجیه‌پذیر، علاوه بر مفهوم کردن حیات جمعی امت خود، حیات تاریخی بشر را قابل فهم کند (موحدیان عطار، ۱۳۹۳: ص ۴۸۷).

فردی یهودی با توجه به ادبیات موعودی، نگاهی به گذشته خود می‌اندازد و با سیر در گذشته تاریک و مصیبت‌بار خویش به عصر طلایی پادشاهی داوود می‌رسد که در آن روزگار، بنی‌اسرائیل به زندگی مطلوب خود دست یافت. پادشاهی داوود و روزگار خوش آن، الگویی می‌شود برای آینده مطلوب و آرمانی. یهودیان بی‌صبرانه ظهور ماشیح موعود را به انتظار نشسته‌اند تا با احیای پادشاهی داوود، دنیای آرمانی خویش را بیابند. یهودی منتظر، جایگاه خویش را در عصر انتظار (زمان حال) باز می‌شناسد و در صدد برمی‌آید تا در این سیر تاریخی نقش خود را به‌خوبی ایفا کند.

فردی مسیحی با نگاهی منجی باورانه؛ ظهور، صلیب و رستاخیز عیسی را نظاره می‌کند و با باور به بازگشت دوباره عیسی مسیح، گذشته خود را به آینده پیوند می‌زند. باور به عیسای میانجی (که در گذشته آمده) و انتظار عیسای منجی (که در آینده خواهد آمد) سبک زیستن امروزمین مسیحی معتقد را مشخص می‌کند.

فرد مسلمان در پرتو باور به آخرین ذخیره خداوند، از ابتدا (گذشته) تا انتها (آینده) سیر تاریخ را درک می‌کند. مهدی‌باوری پاسخی است به این‌که «چرا انسان خلق شد و در این دنیا قرار گرفت؟» «چرا در طول تاریخ خداوند پیامبرانی را از آدم تا خاتم فرستاد» و «غایت سیر انسان و جامعه انسانی تا کجاست و چگونه می‌توان به آن هدف نهایی دست یافت». مسلمان باورمند به ظهور مهدی موعود عجله الله تعالی فرجه با عبرت از گذشته و نگاه به آینده، امروز خویش را به‌گونه‌ای می‌سازد که زمینه‌ساز «آرمان‌شهر مهدوی» باشد.

نتیجه آن‌که موعودباوری به زندگی فرد و جامعه منتظر معنا می‌بخشد و گذشته، حال و آینده را در پیوست با یکدیگر و هدفمند جلوه می‌دهد. با نگاه موعودباورانه، تلاش منتظرانه، حرکتی هدفمند و معنادار در فرایند تکامل جامعه بشری است. از این‌رو، این باور می‌تواند با ایجاد همگرایی در ادیان ابراهیمی در این حرکت سرعت ایجاد کند.

۲. موعودباوری و بازتولید گرایش مشترک

عمیق‌ترین لایه شکل‌گیری ارتباط انسان‌ها از ناحیه گرایش‌ها و تعلقات آن‌ها است که پیدایش عواطف و احساسات مشترک را موجب می‌گردد. اگر فردی نسبت به آرمان‌ها و افعال جامعه گرایش پیدا کند، عضوی از آن جامعه خواهد بود.

از یک‌سو، گرایش انسان به یک موضوع بر ارزیابی شناختی وی از آن موضوع مبتنی می‌باشد. از این‌رو، شناخت مشترک و مثبت پیروان ادیان ابراهیمی از آموزه موعود و نیز از جهان آینده و زیبایی‌های عصر ظهور، می‌تواند در آنان گرایش‌های هم‌سویی برای زمینه‌سازی و درک آرمان‌شهر موعود به وجود آورد.

از سوی دیگر، ملاک تحقق تغییرات در کنش‌های اجتماعی، تغییر در بینش‌ها و گرایش‌های بیش‌تر افراد آن اجتماع است. در این زمینه نیز باورهای مشترک ادیان ابراهیمی در عرصه موعودباوری می‌تواند با ایجاد گرایش‌های هم‌سو، به خلق پویایی همگانی منجر شود. از آن‌جا که منجی آخرالزمان حرکت و حکومتی جهانی دارد، صرف «گرایش افراد»

جامعه یا پیروان دین به ایجاد تحول و زمینه‌سازی برای ظهور، نمی‌تواند اثر چندانی داشته باشد، بلکه برای ایجاد تحول جهانی، «گرایش جهانی» نیز لازم است. به نظر می‌رسد، وجود این حرکت عظیم همگرا، به مثابه نوعی «پیش انقلاب» برای «انقلاب جهانی» منجی موعود ضروری باشد؛ زیرا لازمه شروع و تداوم هر انقلابی آن است که از پیش، زیرساخت‌های آن در ابعاد مختلف فراهم شده باشد. بر اساس همین قاعده انقلاب جهانی موعود ادیان به تأمین زیرساخت‌هایی نیاز دارد که بدون همگرایی پیروان ادیان حاصل نمی‌شود. این نکته بدان معنا است که پیروان همه ادیان وظیفه دارند در یک جنبش عظیم همگرا، به ایجاد تحول در جامعه جهانی بپردازند و زمینه را برای ظهور آخرین منجی فراهم آورند.

شرط دیگر تحقق تغییر اجتماعی، آن است که در مقابل افراد فعال خواستار تغییر در اجتماع، گروه فعال دیگری که بر حرکت‌های اجتماعی مؤثر هستند، مخالف این تغییر نباشند. در روزگاری که گروهی بر آن هستند تا با هجمه به اصول ایمانی ادیان و زیر سؤال بردن اساس دین، تیشه به ریشه آن بزنند؛ بدون تردید گفت‌وگو و «تفاهم» میان ادیان به جای «سوءتفاهم»، و «همگرایی» به جای «واگرایی» از اموری است که می‌تواند در بازتولید گرایش‌های مثبت و همسوی پیروان ادیان، مفید واقع شود و در نهایت باعث حفظ، دوام و تقویت ادیان گردد.

موعودباوری در پیروان ادیان ابراهیمی، گرایش‌های مشترکی کشف می‌کند که عبارتند از:

۱-۲. کمال‌خواهی

اخلاق‌مداری و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی، آرمان مشترک تمام ادیان الهی است. در جامعه آرمانی موعود، انسان‌ها به کمال حقیقی خواهند رسید. مردم بر مبنای توحید و نفی شرک و طاغوت به اطاعت کامل و دقیق از اوامر و نواهی الهی روی خواهند آورد و فقط به کسب رضای خداوند و تقرب به درگاه او می‌اندیشند. این امر موجب می‌شود تا اخلاق الهی بر جامعه حاکم شود و در نتیجه انسان‌ها به کمال برسند. جامعه موعود با حاکمیت ایمان و ایمان‌داران اداره خواهد شد. جامعه منتظر نیز باید بر اساس باور به ایمان حرکت کند و تلاش خود را برای حاکمیت اخلاق الهی به کار ببرد. چنین تلاشی که برخاسته از روحیه کمال‌خواهی است، جامعه منتظر را به سوی همگرایی دعوت می‌کند.

۲-۲. ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی

عموم انسان‌ها خسته‌اند از زندگی در دنیایی که عده‌ای زورمدار و زرسالار بر آن حاکمیت دارند و تمام منابع و منافع جهان را برای خود می‌خواهند. بر اساس سنت الهی، جامعه بشری در روند رو به تکامل خود، به استقبال تحولی بزرگ و شگرف می‌رود تا شاهد ظهور منجی عادل عدالت‌گستری باشد که بر مبنای اصول و قوانین الهی، نظام کاملاً عادلانه‌ای را بنیان می‌گذارد؛ نظامی که ذره‌ای ظلم در آن راه ندارد. لازم است که پیروان ادیان ابراهیمی با همگرایی، برای دستیابی به این هدف بزرگ اقدام کنند و زمینه‌ساز برقراری عدالت در همه عرصه‌ها در سطح جهان شوند.

۲-۳. صلح‌طلبی

فطرت انسان بر «صلح‌طلبی» استوار است و بشر برای رسیدن به آرمان‌های خود، نیازمند امنیت و صلح است. بر اساس تجربه تاریخی، برای استقرار صلح پایدار، انسان باید حقوق دیگران را به رسمیت بشناسد و با احترام متقابل زمینه زندگی در جهانی عاری از جنگ و خشونت را فراهم کند. پیروان ادیان ابراهیمی، بر این باورند که صلح مطلق در زمان حکومت آخرین منجی، بر جهان حاکم خواهد شد. دستیابی به صلح و آرامش پایدار، آرمان مشترک این ادیان است که متأسفانه بشر در تحقق آن موفقیت چندانی به دست نیاورده است که بی‌تردید همگرایی می‌تواند بزرگ‌ترین تضمین برای رسیدن به صلح و دوستی باشد.

۳. موعودباوری و بازتولید کنش مشترک

افعال ارادی و اختیاری انسان، بر مبنای شناخت و گرایش‌های او تحقق می‌پذیرد. گرایش‌ها آثار خود را بر رفتار آدمی جلوه‌گر می‌کنند و به عنوان ضابطه‌ای برای ترجیح برخی از محرک‌های درونی به شمار می‌روند. در میان آموزه‌های دینی، باور به موعود و شناخت درست آن، قادر است در پیروان ادیان ابراهیمی چنان رغبت و گرایش به زیستن در جامعه موعود به وجود آورد که مبنای و آغازی برای پویایی و حرکت تعالی‌بخش گردد تا آن‌جا که در بعضی جوامع، باور به موعود به ایجاد نهضت و انقلاب منجر شده است.

بر اساس آنچه گفته شد، کنش‌های مشترک پیروان ادیان ابراهیمی بر مبنای

موعودباوری به این قرار است:

۳-۱. حفظ دین و ایمان

بدون شک یکی از مهم‌ترین و با ارزش‌ترین داشته‌های هر انسان مؤمنی «دین» او است و لذا حفظ این مقوله نیز از مهم‌ترین دغدغه‌های مؤمنان است. پیروان ادیان ابراهیمی معتقدند که حکومت منجی موعود حکومت دینی است که در آن صالحان و نیکان به رهبری انسانی وارسته و الاهی، وارثان زمین خواهند شد. پس کسانی که می‌خواهند در دوران «پس از ظهور» در حکومت موعود سهمی داشته باشند، باید در دوران «پیش از ظهور» دین و ایمان خود را حفظ کنند و نام خود را در دفتر نیکوکاران به ثبت برسانند.

دین‌داری در زمان پیش از ظهور منجی، با مشقتها و سختی‌های طاقت فرسایی همراه است که البته توجه به شیرینی‌های دوران ظهور و لذت حضور و مشارکت در حکومت منجی، تحمل این سختی‌ها را آسان می‌کند. دانستن این مسئله منتظران راستین ظهور را در مسیر «تعلیم» و «تهذیب» قرار داده تا با بهره‌بری از آموزه‌های ناب دینی به پرورش استعدادها و درونی خود بپردازند. با چنین باوری می‌توان ادیان ابراهیمی را به سوی همگرایی دعوت کرد تا در پرتو آن جامعه دینی در برابر جامعه دین‌ستیز تقویت شود و در سایه ایمان به خدا راه برای رفتن به جامعه آرمانی موعود هموار گردد.

۳-۲. عمل به شریعت

در ادیان ابراهیمی، اندیشه موعود، باوری برآمده از دین و متون مقدس است که با تمامی اجزای دین ارتباط وثیق و عمیق دارد. موعودباوری هم با اصول عقاید و باورها، هم با فروع دین و احکام و هم با مسائل اخلاقی پیوند خورده است. لذا در پیدایش و عمق‌بخشی تمامی این عرصه‌ها می‌تواند مفید واقع شود.

«ربانیون»، موعودباوری را ابزاری برای «یهوه‌مداری» و عمل به «شریعت موسوی» می‌دانند.

باور آن‌ها همواره این بوده که نجات و موعودباوری بدون عمل به شریعت موسوی معنی ندارد. حتی در آموزه‌های یهود، موعودباوری فرع بر شریعت‌گرایی است و تعهد نسبت به دین، می‌تواند تاریخ با شکوه یهودی را احیا و امید به آمدن ماشیح را زنده کند (کوهن، ۱۳۸۳: ص ۱۱۳).

نکرده است، بلکه این زمان، بر اساس اعمال و رفتار مردم تغییر خواهد کرد. خداوند می‌فرماید: «من، بیهوه، در وقتش تعجیل در آن خواهم نمود» (اشعیا ۶۰: ۲۲).

عده‌ای از الهی‌دانان مسیحی ایمان و عمل به شریعت را در کنار هم عامل نجات انسان قلمداد کرده‌اند. «پلاگیوس» معتقد است که رستگاری به وسیله اعمال نیک به دست می‌آید و هر یک از افراد بشر این قابلیت را دارد که خود را رستگار سازد (مک گراث، ۱۳۸۴: ص ۶۹). «کاتولیک‌ها» و «ارتدوکس‌ها»، ایمان بدون عمل را بر نجات انسان مؤثر نمی‌دانند و راه سعادت ابدی انسان را در فیض خدا (که در ایمان متبلور است) و انجام دادن اعمال نیک می‌بینند. کلیسای کاتولیک در «شورای ترنت»، همراهی ایمان با عمل را برای نجات ضروری دانسته و این رویکرد را به عنوان دیدگاه رسمی خود اعلام کرده است.

در میان مهدی‌باوران یکی از شاخص‌هایی که می‌تواند نمایان‌گر میزان باورمندی فرد منتظر به موعود باشد، میزان اهتمام او به اجرای تکالیف و وظایفی است که خداوند بر عهده او گذاشته است (فیض کاشانی، ۱۳۷۱: ص ۲۴۳). امام مهدی علیه السلام منتظران ظهورش را به عمل به احکام و دستورهای الهی، که انسان موعودباور را به امامش نزدیک می‌کند؛ سفارش کرده و از تکلیف‌گریزی و شریعت‌گریزی، که ناراحتی و خشم امام را باعث می‌شود، برحذر داشته است (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۰۰). موعودباوران برای آن که در صف یاران امام مهدی قرار بگیرند، باید آن حضرت را الگوی عملی زندگی خود قرار دهند و پیوند معنوی خود را با ایشان محکم کنند (همان: ص ۱۹۹).

بر اساس آنچه گفته شد، باورمندی به موعود و عصر زرین ظهور، عامل مؤثری بر عمل به شریعت و پایبندی به احکام دینی است و می‌تواند جامعه ایمانی را به همگرایی برای حاکمیت ارزش‌های دینی فراخواند و از این رهگذر از فراگیر شدن ارزش‌های خود ساخته انسان مدرن و ضد دین جلوگیری به عمل آید.

۳-۳. ترک گناه

در ادیان ابراهیمی گناه و سرپیچی از دستورات خداوند، دارای آثار منفی زیادی بر زندگی انسان است. ارتکاب گناه باعث خشم خداوند بر انسان و دوری انسان از رحمت بی‌انتهای پروردگار می‌گردد. در فرهنگ ادیان ابراهیمی، گناه موجب می‌شود که خداوند انسان را تنبیه و او را از رسیدن به سعادت و نجات عظیم خود محروم کند. انسان با ارتکاب گناه، خود مانع

بزرگی بر سر راه ظهور منجی قرار می‌دهد و خود را از فیض حضور در آرمان‌شهر موعود محروم می‌کند. بر همین اساس، دوری از گناه بر روند ظهور مؤثر است و می‌تواند آمدن منجی را تسریع بخشد.

گناه از منظر یهودیت، عذاب و کیفر الهی را در پی دارد و به عنوان مانع نجات شمرده شده است. بنابر باور یهودیان، خداوند با ابراهیم عهد بست که این سرزمین را به فرزندان او بدهد و در عهدش با موسی، شرط حضور در آن را بندگی بنی‌اسرائیل بیان کرده است. مسیحیان نیز گناه را علت اصلی سقوط انسان می‌دانند و معتقدند که هر وقت انسان از گناه پاک شود، نجات می‌یابد و «پسرخوانده خدا» می‌شود. انسان فارغ از گناه، در سلطنت الهی و پادشاهی خداوند سهیم است و سر انجام در ملکوت خداوند، زندگی راحت و بدون رنجی را تجربه خواهد کرد. از نگاه مسیحیت، مسیحی معتقد باید مراقب باشد شریعت و احکام خداوند را زیر پا نگذارد و ضمن این که در حفظ آن کوشا باشد، دیگران را به ننگ‌داشتن شریعت و احکام خداوند تشویق کند (متا ۵: ۱۹). بنابراین، مسیحیان در زمینه برپایی ملکوت آسمان نقش مؤثری دارند و گناه آنان باعث تأخیر در ظهور مجدد عیسی مسیح می‌شود. پس این، وظیفه همگانی است که با تقویت ایمان و ترک گناهان، آماده بازگشت عیسی مسیح باشند و بازگشت آن حضرت را تسریع بخشند.

اسلام، گناه و مخالفت با پروردگار عالم را علت نابودی انسان و تمدن‌های بشری دانسته است. به عبارت دیگر، از نظر آموزه‌های اسلام، گناه مانع نجات انسان و رسیدن او به سعادت حقیقی می‌شود. در روایات اسلامی یکی از مهم‌ترین علل غیبت امام مهدی علیه السلام ارتکاب گناه و معصیت از سوی مردم برشمرده شده است (حمیری قمی، بی‌تا: ص ۳۸۱). گناه موجب دور شدن ما از امام مهدی علیه السلام و تأخیر در ظهور ایشان می‌گردد و ترک آن تأثیر بسیار مثبتی بر تعجیل در ظهور دارد.

با توجه به دیدگاه ادیان ابراهیمی درباره نقش گناه بر سرنوشت انسان و مسئله ظهور منجی؛ باید گفت که موعودباوری بر کنش مشترک پیروان این ادیان برای پیشگیری از گناه و ترک آن تأثیر به‌سزایی دارد. یکی از عوامل تأثیرگذار بر ارتکاب گناه آن است که شخصیت افراد بر مبنای ارزش‌ها و باورهای دینی شکل نگرفته است. از آن‌جا که دولت و حکومت منجی آخرالزمان از آن صالحان و نیکوکاران است و برای سهیم شدن در آن، باید از پیش،



خود را آماده کرد؛ باور به موعود توجه منتظران را به سوی ارزش‌ها و باورهای دینی جلب کرده و این ارزش‌ها را در دل و جان مشتاقان ظهور منجی نهادینه می‌کند. بدین ترتیب با انطباق شخصیت افراد با ارزش‌های دینی، مانع بزرگی بر سر راه ارتکاب گناه ایجاد می‌شود. از طرفی دیگر، ایمان و عقیده به ارزش‌های دینی حاکم بر جامعه، مثل موعودباوری، باعث افزونی وابستگی و تعلق خاطر افراد به جامعه خود می‌شود و به همان میزان تعهد آن‌ها را نسبت به جامعه بیش‌تر کرده و شخص نسبت به جامعه متبوع و بلکه به جامعه جهانی، احساس دین می‌کند. این عامل، مشارکت اجتماعی را افزایش داده و تلاش افراد را برای پیشگیری از گناه و نیز اصلاح جامعه فزونی می‌بخشد.

۴-۳. توبه

موعودباوری در ادیان ابراهیمی با بحث «توبه» مرتبط است. توبه بر آمادگی و زمینه‌سازی برای ظهور و همچنین برخورداری از مواهب دوران ظهور تأثیرگذار است. شور و اشتیاق یهودیان به بازگشت به سرزمین مقدس و سکونت در آن، با ظهور «مسیح» به بار خواهد نشست؛ اما انبیای بنی‌اسرائیل همواره یادآور می‌شدند که توبه موجب توجه دوباره خداوند به وعده‌هایش در عهدی است که با این قوم بسته است. «اعتقاد ربنان این بود که اگر بنی‌اسرائیل، حتی یک روز از گناهان خود توبه کنند، آمدن او جلو خواهد افتاد» (گرینستون، ۱۳۸۷: ص ۷۲). در تلمود نیز آمده است:

توبه کاری عظیم است؛ زیرا نجات را نزدیک می‌کند. زمانی‌هایی که برای پایان ذلت معین شده بود، سپری گشت... و ظهور او فقط به توبه مردم و اعمال نیکی وابسته است که انجام می‌دهند (کهن، ۱۳۵۰: ص ۳۵۷ به نقل از: سنهدرین ۹۷ ب).

عیسی مسیح مبعوث شد تا انسان‌های گناهکار را به توبه دعوت کند (متا ۹: ۱۳). او «این توبه را برای ورود به ملکوت خداوند لازم می‌دانست و توصیه می‌کرد» (فیشر، ۱۳۸۹: ص ۴۳۹). عیسی به آسمان رفت تا فرصت توبه را به بنی‌اسرائیل (اعمال رسولان ۵: ۳۱)؛ و غیریهودیان (همان، ۱۱: ۱۸)؛ بدهد این فرصت باید غنیمت شمرده شود و باید پیش از بازگشت مسیح توبه کرد (مکاشفه ۳: ۳). به این دلیل، موعودباوری به توبه تشویق می‌کند و تأخیر در توبه باعث تأخیر در بازگشت عیسی مسیح می‌شود.

قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام بر توبه از گناهان و بازگشت به سوی خدا تأکید

بسیاری ورزیده و آن را راهی به سوی رستگاری و نجات دانسته‌اند (نور: ۳۱). یکی از وظایف مهم موعودباوران منتظر، توبه حقیقی از گناهان است. انسان موعودباور برای رسیدن به خوان معنوی محبوب باید آثار گناه را از زندگی خود پاک کند تا موانع دیدار برطرف شود (مجلسی، بی‌تا: ج ۵۳، ص ۱۷۷). از دو جهت باید در توبه کردن عجله کرد: یکی این‌که توبه باعث تسریع در روند ظهور می‌شود و دیگر این‌که (بنابر برخی روایات)، در زمان ظهور امام مهدی علیه السلام، توبه برای همگان ممکن نیست (همان، بی‌تا: ج ۵۲، ص ۳۱۵).

۵-۳. خودسازی و تزکیه نفس

موعودباوری در ادیان ابراهیمی می‌تواند بستر و زمینه‌ای برای رعایت قوانین الهی باشد و انگیزه انسان را در خودسازی و تزکیه نفس بالا ببرد. موعودباوران باید روز به روز بر علم و معرفت خود نسبت به معارف دینی بیفزایند و علم و معرفت آن را بستری برای عمل‌گرایی قرار دهند و بدین وسیله مقدمات ظهور را فراهم کنند. منتظران موعود باید با تهذیب نفس و خودسازی، خود را به صفات یاران منجی بیاریند و در جهت آرمان‌های بلند جامعه موعود قدم بردارند. باور به موعود و روزگار دلنشین پایانی، با ایجاد روحیه امید و پایداری، راهبردی اساسی برای سازندگی درونی و بیرونی به شمار می‌رود. امید به آینده‌ای که مؤمنان و شایستگان وارث زمین خواهند شد، بر استقامت شخص منتظر در تحمل دشواری‌های عمل به تکالیف الهی افزوده و شکیبایی او را در چشم‌پوشی از گناه و لذت‌های آن زیاد می‌کند. اعتقاد به موعود با ایجاد مکانیزم درونی، منتظران را در کسب معنویت کوشا و آن‌ها را به مراقبت دائمی از خویش و پابندی به ارزش‌ها و هنجارها دعوت می‌کند.

۶-۳. امید

از مهم‌ترین عوامل پویایی و بالندگی هر فرد و هر جامعه در ابعاد شخصیتی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی؛ «امید» به آینده‌ای مطلوب است. افراد امیدوار در برابر مشکلات و سختی‌ها تسلیم نمی‌شوند و تلاش می‌کنند با نگاه به آینده‌ای امید آفرین، شرایط سخت و دشوار را پشت سر بگذارند. در فرهنگ دینی، آموزه‌هایی وجود دارند که باعث پرورش حس امید در جامعه می‌شود.

اندیشه منجی موعود، اگر چه در اصل برای ایفای چنین نقشی پدید نیامده باشد، توان بالایی برای ایجاد و حفظ امید بهروزی، به‌ویژه در میان پیروان ادیان و حتی

ملل و اقوام دارد. گویا به همین سبب باشد که این اندیشه در هنگامه دشواری‌ها و فشارهای اجتماعی بالنده‌تر می‌شود و مقبول‌تر می‌افتد (موحدیان عطار، ۱۳۹۳: ص ۴۸۶).

یکی از خصایص جالب توجه دین یهود، امید به ظهور یک منجی بود که مأموریت دین را به کمال می‌رسانید. پیامبران اولیه، با همه شوق و دلگرمی در مورد درستکاری و عدالت، به مردم می‌آموختند که دست آخر قضای الهی جاری خواهد شد و کاخ ظلم را نابود خواهد کرد (هیوم، ۱۳۸۸: ص ۲۹۳). این امید در آیات کتاب مقدس، اصول اعتقادی، آیین‌ها (گرینستون، ۱۳۸۷: ص ۱۸۱) و مسیر تاریخ یهود (همان، ص ۷۶) عنوان شده است.

با به صلیب کشیده شدن عیسی علیه السلام امید مسیحایی پیروانش به ناامیدی مبدل شد؛ اما با رستاخیز وی امید دوباره‌ای در آنان به وجود آمد و طولی نکشید که آموزه امید به ظهور دوباره مسیح، به کلیدی‌ترین آموزه مسیحیت تبدیل و تمام ماهیت و معنای کلیسا بر آن استوار شد (صادق‌نیا، ۱۳۹۳: ص ۲۳۶). از کارکردهای این امید آن است که:

مؤمنان را در امتحانات این جهان تقویت می‌کند و ایشان را غیور می‌سازد که با دقت و ترقی جلو روند و سعی شوند که نمو نموده، به شکل مسیح متشکل گردند (هاکس، ۱۳۸۳: واژه امید).

اعتقاد به ظهور انسان کاملی در آخرالزمان که حجت خدا، امام معصوم و فردی از سلاله پیامبر است؛ امید به آینده روشن را در بین مسلمانان به وجود آورده است. امید به ظهور امام مهدی علیه السلام و دولت کریمه او همچون چراغی فرا راه منتظران، مسیر زندگی آنان را روشن کرده و در سرتاسر تاریخ اسلام مایه پویایی و حرکت جامعه اسلامی شده است. این امید در موقعیت‌های حساس تاریخی یاریگر آنان برای غلبه بر بحران‌ها بوده است. حفظ امید به آینده روشن و انتظار رسیدن به آن، در آموزه‌های دینی و صدها روایت اسلامی مورد تأکید قرار گرفته و برای این انتظار، پاداش فراوانی در نظر گرفته شده است (طبرسی، بی‌تا: ص ۴۲۸ و شیخ صدوق، ۱۳۵۹: ج ۱، ص ۳۲۳).

باور به ظهور منجی و پیدایی آرمان‌شهر در آینده و همچنین لزوم همسانی جامعه منتظر با جامعه آرمانی؛ زمینه‌ساز امید و تلاشی بی‌وقفه برای رشد جامعه در عرصه‌های دینی، فرهنگی، اجتماعی، نظامی، سیاسی و اقتصادی است. از لوازم اصلی این شکوفایی و بالندگی

در عرصه جهانی، اتحاد و همگرایی پیروان ادیان ابراهیمی است تا در پرتو آن، جامعه منتظر با شتاب بیش‌تری به سمت جامعه موعود حرکت کند.

«امید»، هم به تفکرات، تمایلات و انگیزه‌های منتظران جهت می‌دهد و هم اعمال، رفتارها و کنش‌های آنان را سمت‌وسو می‌بخشد. به عبارت دیگر، افراد جامعه منتظر تمامی افکار و برنامه‌های خود را همسو با رسیدن به عصر ظهور سامان می‌بخشند. از آن‌جا که آموزه موعود در ادیان ابراهیمی دارای بنیان‌ها و اهداف مشترکی است، امید رسیدن به جامعه موعود، می‌تواند بر بازتولید افکار و برنامه‌های مشترک این ادیان مؤثر بوده و به وحدت و همگرایی آن‌ها منجر شود.

۷-۳. صبر

«موعودباوری» در ادیان ابراهیمی عامل بسیار مؤثری در تحمل شداید و سختی‌ها بوده است. هر زمان که ناملایمات، پیروان این ادیان را مورد هجوم قرار داده است، امید به آمدن کسی از جانب خدا، برای رهانیدن آن‌ها از چنگال مصایب، باعث شده تا در برابر مشکلات صبر کنند.

یهودیان به عنوان قوم برگزیده خداوند دارای شأن و جایگاهی آرمانی هستند که غالباً از آن دور مانده و همواره در بردگی و اسارت، متحمل بدترین و سخت‌ترین ستم‌ها شده‌اند؛ اما اعتقاد به ظهور «مسیح» باعث شده است تا یهودیان در طول تاریخ، اسارت‌ها، تبعیدها، ویرانی‌ها، سختی‌ها و شکنجه‌ها را تحمل کنند. آن‌ها معتقد بودند که حتی اگر بر اثر این سختی‌ها و شکنجه‌ها جان بدهند، با ظهور منجی بنی‌اسرائیل دوباره زنده می‌شوند و شاهد عزت قوم خداوند و ذلت دشمنان آن‌ها خواهند بود.

امید به آینده طلایی، مشکلات را به کام مسیحیان گوارا و آنان را در برابر دشواری‌ها صبور می‌کند. یعقوب، رسول ایمان‌داران را مخاطب قرار می‌دهد و می‌گوید که جفاها و بلاها به سوی ایمان‌داران خواهد آمد و چون مسیح به‌زودی مراجعت می‌کند، لازم است در برابر سختی‌ها صبر و استقامت کرد (یعقوب ۵: ۱۱-۷). ایمان‌دارانی که سختی‌ها را تحمل کنند و از آزمایش‌ها سربلند بیرون بیایند، نجات می‌یابند (مرقس ۱۳: ۱۳) و در آسمان اجری بزرگ خواهند داشت (متا ۵: ۱۲-۱۱). آنان تاج افتخار و پیروزی و نیز هدیه زندگی جاویدان را به دست خواهند آورد (یعقوب ۱: ۱۲).

در برهه‌هایی از تاریخ، دشمنان داخلی و خارجی مسلمانان را مورد تعرض و تهاجم قرار داده و مسلمانان به این دلیل خسارات جانی و مالی فراوانی را متحمل شده‌اند. اما از آنجا که موعودباور مسلمان، فرجام جهان را به‌گونه‌ای می‌بیند که عدالت کامل بر جهان سایه می‌افکند و مؤمنان، عزیز و عزتمند می‌شوند؛ در برابر ناگواری‌ها صبر می‌کند. برای درک دوران ظهور باید از کوران حوادث سخت عبور کرد و با کسب آمادگی‌های لازم با دلی نفوذناپذیر، مانند پاره‌های آهن با گام‌هایی استوار چون کوه (مجلسی، بی‌تا: ج ۵۲، ص ۳۰۴ و ۳۰۸)؛ در زمره یاوران موعود قرار گرفت (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۳۹). مسلمان، امام زمانش را شاهد و ناظر بر احوال خود می‌داند و او را گشاینده سختی‌ها و دشواری‌ها (مجلسی، بی‌تا: ج ۹۹، ص ۸۴) قلمداد می‌کند و با صبر بر سختی‌های عصر غیبت به پاداش‌های بسیاری دست می‌یابد (همان: ج ۵۲، ص ۱۲۴).

بنابراین، «باور» به موعود با ایجاد و پرورش نیروی «صبر» در جامعه منتظر، به تحمل مصایب دنیای تاریک کنونی کمک می‌کند تا باعث انحراف موعودباوران از مسیر حق نشوند. بدیهی است، احساس تنهایی و غربت، هنگام مصیبت و بلا، خود رنج دوجندانی به همراه دارد که همگرایی پیروان ادیان ابراهیمی می‌تواند باعث تقلیل این آلام شود. البته استراتژی صبر هرگز به معنای پذیرش ظلم و سکوت در برابر آن و یا سستی در اجرای وظیفه نیست، بلکه «صبر» در مواقعی که تغییر وضعیت نامطلوب موجود ممکن نیست، به عنوان آخرین راهکار توصیه می‌شود.

۳-۸. انتظار

راهبرد «انتظار» حالتی برخاسته از فطرت و نهاد انسان است این راهبرد، رویکردی در فرد ایجاد می‌کند که به وضعیت موجود قانع نباشد و همواره برای رسیدن به شرایط بهتر تلاش کند. انتظار، کنشی تعهدآور، مسئولیت‌زا، تحرک‌بخش، حیات‌آفرین، پیش‌برنده و سازنده است. در این راهبرد، باورها و ارزش‌ها با تأثیر بر مکانیسم درونی، فرد و به تبع آن، جامعه را به حرکت در جهت فکر و اندیشه خود وادار می‌کند و در نتیجه حس مسئولیت‌پذیری افزایش می‌یابد. در چنین شرایطی منتظران نسبت به خود و محیطی که در آن زندگی می‌کنند، بی‌تفاوت نبوده و با کنترل‌های درونی (درون فردی و درون محیطی) باعث کاهش کج‌روی و گناه شده و در نتیجه زمینه رشد و پویایی فراهم می‌شود.

از سوی دیگر، فرد و جامعه منتظر، به دلیل این که منتظر تحقق حکومت جهانی منجی موعود هستند، سرنوشت خود را با سرنوشت مردم دنیا گره می‌زنند و گستره کنترل بیرونی خود را کل جهان می‌دانند. پس با احساس مسئولیتی که نسبت به سرنوشت همه انسان‌ها و جوامع دارند، ناهنجاری‌ها را در سطح جهانی ملاحظه کرده و نسبت به اصلاح آن سعی و تلاش می‌ورزند.

انتظار به عنوان عنصری پویا و تعالی‌بخش، نقش مهمی در افزایش «سرمایه اجتماعی»^۱ ایفا می‌کند. «فوکویاما» سرمایه اجتماعی را هنجاری غیررسمی می‌داند که همکاری بین افراد را ارتقا می‌دهد. بر اساس تعریف وی، عناصری همانند اعتماد اجتماعی، روابط متقابل اجتماعی و مشارکت اجتماعی، هم نتیجه سرمایه اجتماعی هستند و هم سرمایه اجتماعی را به وجود می‌آورند و شکل می‌دهند (آخوندی، ۱۳۸۶: ص ۱۵۶). «اعتماد اجتماعی»، «مشارکت اجتماعی»، «روابط متقابل اجتماعی»، «پای‌بندی اخلاقی و دینی» و «روابط اقتدار» از عناصر اصلی سرمایه اجتماعی شمرده شده‌اند که موجب وابستگی و تعلق خاطر به گروه و جامعه می‌گردند و در صورت روبه‌رو شدن با ضعف و سستی، باعث افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی خواهند شد.

پیروان ادیان ابراهیمی، منتظر شکل‌گیری حکومت جهانی منجی موعود هستند که چنین جامعه‌ای بر اساس دین الهی شکل خواهد گرفت. این انتظار، آن‌ها را بر آن می‌دارد تا همه جهان را به مثابه مجموعه‌ای واحد ببینند و هنگامی که گرایش‌های خاص قومی، ملی، نژادی و مذهبی کم‌رنگ و گرایش‌های عام (اشتراکات) پررنگ شود، همه با هم روابط دوستانه برقرار خواهند کرد. گسترش روابط همدلانه اجتماعی، از طریق کاهش تضادهای ارزشی و افزایش ارزش‌های مشترک، تعهدات اجتماعی را افزایش و روابط عاطفی و دوستانه را گسترش می‌دهد. این شرایط، خود باعث افزایش اعتماد و در نتیجه گسترش روابط می‌شود. ترویج موعودباوری و گسترش فرهنگ انتظار، موجب انسجام و اتحاد بیش‌تر در ادیان شده و با افزایش سرمایه اجتماعی می‌تواند زمینه همگرایی بیش‌تر در جوامع ایمانی را فراهم آورد و در ادامه به سوی تشکیل جامعه آرمانی موعود حرکت کند.



نتیجه‌گیری

«همگرایی» روندی است که بر اساس آن، گروه‌های مختلف به دلیل منافع مشترک، با حفظ استقلال داخلی خود، به تشکیلات جدیدی دست می‌یابند که فعالیت‌های آن به نفع تمامی اعضا باشد. بر مبنای باور به موعود، می‌توان به مدل جدیدی در همگرایی ادیان ابراهیمی دست یافت. در این مدل که نوعی مدل گفتمانی است، موعودباوری به عنوان محور همگرایی مورد مطالعه قرار می‌گیرد و با روش تحلیل محتوا به این نتیجه می‌رسیم که ادیان ابراهیمی بر مبنای باور به موعود، نگاه بسیار مشابهی به آینده آرمانی جهان دارند و بر همین اساس، ارزیابی نسبتاً یکسانی از نابهنجاری وضعیت کنونی عالم ارائه می‌کنند. همین نگاه یکسان به حال و آینده، موعودباوری را از صرف باوری مقدس و آرزوی ذهن‌گرایانه خارج و به گفتمانی تحول‌آفرین تبدیل می‌کند. در مدل گفتمانی، آموزه‌ها از مرز زبان فراتر رفته و به وادی بینش‌ها، گرایش‌ها و کنش‌ها قدم می‌گذارند و با جهت‌بخشی به فعالیت‌های اجتماعی، تغییر سرنوشت جامعه را ممکن می‌سازند. در مدل گفتمانی، ظهور منجی موعود به مثابه یک لحظه در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه فرایندی طولانی است که جامعه منتظر را درگیر خود کرده است. نگاه ادیان ابراهیمی به این فرایند، دارای شباهت‌های فراوانی به یکدیگر است که توجه به آن به همگرایی این ادیان منجر می‌گردد و می‌تواند در جهت سرعت بخشیدن به ظهور منجی بسیار مؤثر باشد. از نگاه ادیان ابراهیمی، آینده‌ای روشن برای انسان و جهان ترسیم شده است. با ظهور منجی آسمانی و حاکمیت صالحان، دین الاهی بر سرتاسر جهان سایه‌افکن می‌شود. حکومت الاهی عدالت و صلح را به ارمغان می‌آورد و علاوه بر جامعه بشری، عالم طبیعت از نابسامانی‌های موجود رها می‌شود.

در این ادیان، جهان پیش از ظهور، جهانی پر از ظلم و ستم و آکنده از سختی‌های بی‌سابقه به تصویر کشیده شده است. در دوران قبل از ظهور منجی، دنیا گرفتار دین‌ستیزی، اخلاق‌گریزی، افول عاطفه‌ها، هرج‌ومرج، فتنه و جنگ می‌شود و شیوع بیماری‌های مهلک، حوادث و بلایای زیست‌محیطی و ویرانی شهرها، مردم را دچار مصیبت می‌کند.

در پرتو نگاه مشابه به آموزه منجی، پیروان ادیان ابراهیمی به این بینش مشترک می‌رسند که خداوند در آخرالزمان مردی از تبار پاکان را برای نجات جهانی که در بسیاری از زمینه‌های فردی و اجتماعی به انحراف و ابتدال کشیده شده است؛ خواهد فرستاد. در جامعه موعود،



نیکان به حاکمیت جهان دست می‌یابند و با پایان یافتن سلطه اشرار، ظالمان و طاغوت‌ها، بشر به سعادت خواهد رسید و در جامعه‌ای ایده‌آل که آرزوی دیرین او بوده است زیست خواهد کرد. باور آخرالزمانی منجی موعود در ادیان ابراهیمی، با ترسیم جامعه آرمانی به بازتولید معنای زندگی می‌پردازد. این باور در گام نخست، هدفی متعالی برای آفرینش عالم و زندگی بشر تعریف می‌کند که ذهنی و رؤیایی نیست، بلکه حقیقی و دست‌یافتنی است. در گام دوم، الگویی به جامعه منتظر در خصوص زندگی مادی و معنوی ارائه می‌کند که او را از تحیر و سردرگمی، انحراف و ابتدال، پوچی و سستی، ایستایی و سکون مصونیت می‌بخشد.

پیروان ادیان ابراهیمی با چشم دوختن به تصویری که در تابلوی زیبای عصر ظهور ترسیم شده است، به گونه‌ای یکسان به حس کمال‌خواهی و آرمان‌گرایی خود پاسخ می‌دهند. از جمله زیبایی‌هایی که در تابلو عصر ظهور چشم‌نوازی می‌کند، ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی و صلح‌طلبی است که از اصول برنامه‌های حکومت منجی پایانی است و بدین طریق گرایش‌های همسان برخاسته از باور به موعود نیز شکل می‌گیرد و به همبستگی اجتماعی می‌انجامد.

موعودباوری، با بنیان نهادن بینش‌های مشترک در پیروان ادیان ابراهیمی نسبت به جهان و اتفاقات آن و جهت بخشیدن به گرایش‌های پیروان، می‌تواند آن‌ها را به کنش‌ها و رفتارهای همگون وادارد. رفتارهایی که ایمان توحیدی و شریعت مقدس الهی را در جامعه منتظر ابراهیمی به نمایش می‌گذارد و اخلاق نیک انسانی - الهی را جلوه‌گر می‌کند؛ رفتارهایی مثل حفظ ایمان، عمل به شریعت، ترگ گناه، توبه و خودسازی، که راه رسیدن به جامعه آرمانی موعود را کوتاه‌تر می‌کند. جامعه موعودباور ابراهیمی، با نگاه به افق‌های روشن آینده، امیدوارانه و صبورانه روزگار طلایی ظهور آخرین منجی را چشم انتظار است؛ انتظاری که به نشستن و چشم به راه دوختن خلاصه نمی‌شود، بلکه پویا و حرکت‌آفرین بوده و در منتظران کنش‌های همسانی می‌آفریند.



منابع

قرآن کریم.

۱. آخوندی، محمد باقر (تابستان ۱۳۸۶). «انتظار فرج راهبرد کاهش ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی»، قم، فصلنامه مشرق موعود.
۲. بهروزی لک، غلام رضا (۱۳۸۸). «کاربرد تحلیل‌های گفتمانی در مطالعات سیاسی اسلامی»، در: روش‌شناسی در مطالعات سیاسی اسلام، علی‌اکبر علی‌خانی و همکاران، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۳. حمیری قمی، عبدالله بن جعفر (بی‌تا). *قرب الإسناد*، تهران، انتشارات کتابخانه نینوا.
۴. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۵۹). *کمال الدین و تمام النعمة*، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الإسلامية.
۵. صادق‌نیا، مهرباب (۱۳۹۳). *گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در مسیحیت*، در *گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان*، علی موحدیان عطار و همکاران، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
۶. طبرسی، فضل بن حسن (بی‌تا). *إعلام الوری بأعلام الهدی*، تهران، دارالکتب الإسلامية.
۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق). *الغیبة*، قم، مؤسسه معارف اسلامی.
۸. فاضلی، محمد (پاییز ۱۳۸۳). «گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی»، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، مازندران، دانشگاه مازندران.
۹. فیشر، مری پت (۱۳۸۹). *دایرة المعارف ادیان زنده جهان*، ترجمه: مرضیه سلیمانی، تهران، علم.
۱۰. فیض‌کاشانی، محسن (۱۳۷۱). *نوادرات الأخبار فیما يتعلق بأصول الدین*، تحقیق: مهدی انصاری قمی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۱. *کتاب مقدس*، ترجمه قدیم و ترجمه فشرده، بی‌جا، بی‌تا.
۱۲. کهن، آبراهام (۱۳۵۰). *گنجینه‌ای از تلمود*، ترجمه: امیر فریدون گرگانی، تحقیق: غلامرضا ملکی و امیرحسین صدری پور، بی‌جا، زیبا.
۱۳. کوهن، شریاک دن (۱۳۸۳). *فلسفه یهودی در قرون وسطا*، ترجمه: علی رضا نقدعلی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان.
۱۴. گرینستون، جولوس (۱۳۸۷). *انتظار مسیحا در آیین یهود*، ترجمه: حسین توفیقی، قم، دانشگاه ادیان.
۱۵. مانهایم، کارل (۱۳۸۰). *ایدئولوژی و اتوپیا، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی شناخت*، ترجمه: فریبرز مجیدی، تهران، سمت.
۱۶. مجلسی، محمد باقر (بی‌تا). *بحار الأنوار*، تهران، اسلامیة.
۱۷. مک‌گراث، آلیستر (۱۳۸۴). *درس‌نامه الاهیات مسیحی*، ترجمه: بهروز حدادی، قم، مطالعات ادیان.

۱۸. موحدیان عطار، علی (۱۳۹۳). «نتایج اندیشه منجی موعود»، در: گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان، علی موحدیان عطار و همکاران، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
۱۹. نعمانی، محمدبن ابراهیم (۱۳۹۷ق). الغیبه، تهران، نشر صدوق.
۲۰. هاکس، جیمز (۱۳۸۳). قاموس کتاب مقدس، تهران، اساطیر.
۲۱. هیوم، رابرت ا. (۱۳۸۸). ادیان زنده جهان، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، تهران، علم.
۲۲. هیک، جان (۱۳۷۶). فلسفه دین، ترجمه: بهزاد سالکی، تهران، انتشارات بین‌المللی الهدی.

